

درالغزیراتین

پس از درود اول صیانه از جانب آذر و خود به جمع غزیراتین و درود غزیراتین
 نامه محبت آمیز را رقی در کتب رسیده از انظار لطیف دیدار در آن خواب گزالی
 بی شادمانه شدم. در شماره اخیر دنیا (که شماره ۴ زمان گذشته و اهدا
 امسال یکجا خواهد بود) مثنوی از اشعار تازه ترا چاپ کرده ام. شعر «اعتقاد شکر»
 این باب طبع و مذاق من است. در آن دعوت به یکبار و روح امیه وجود دارد
 آنچه که وجه مشخص و خیزش شاعران انقلابی از کعبه فطرت شاعران غزیراتین است
 تشکیل «شماره اول» کار و انجمن است. امیه است روحی مؤید دل هم است
 که نتیجه کارش به کار عمر سالی ما (در رویه روزنامه - مجله) فیض برساند. لطفا
 در صورتیکه این انجمن ثمرات خویا دارم ام بنویسید.
 آنچه پرسیدم آیا در سالها اخیر شوق سرد هم هیچ شاعر بود و حد و سطح
 ناپدید از مروتانه با ما متن این مطلب در پاس طاهار فی روح خود را کشید.
 گمانچه دارد. این نوع جریان هر حال بسیار هماناست. از یک سو خود معنی مل
 کرم :

من وجود خویش را با شتر خود تکمیل میانم ...

اما بچانه اندر بناتمانه کجوه خفته اند و نیز چیزها را اولی و اولی که به نیت
 گنجانسته ام. حتی شوقه را نیز ندانم و برای کسانی که عادت به چنین دور
 شکر کرده اند اجرات خولن آنها را نیز در خود نمی بینم.

پس از این درود اول و ^{ما در این} ~~شعر~~ ^{دوم} که در گذشته در دست خود نوشتم در دوام
 باقی گذاشته مابین بطور فائده می هم و روی هم شاعرانم - و بقیه توین